

## ابعاد حقوقی جانشینی قراردادی

زهرا فرج زاده<sup>۱</sup>، محسن ایران منش<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین المللی کیش، گروه حقوق، جزیره کیش، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین المللی کیش، گروه حقوق، جزیره کیش، ایران (نویسنده مسئول)

---

### چکیده

جانشینی هم در حقوق ما شامل قائم مقام می شود و هم مصادیق دیگری دارد، اختلافات فراوانی بین نویسندگان حقوقی ما در مورد پذیرش نظریه قائم مقامی و جانشینان غیر قائم مقام وجود دارد، قائم مقامان هم به صورت قراردادی و هم به صورت غیر قراردادی معین می شوند؛ و در مورد جانشینان غیر قائم مقام مانند الحاکم ولی الممتنع، مدیر تصفیه، ولی قهری و بیمه که منبع اعطای اختیار آنها حکم قانون است، به صورت پراکنده تعاریف مختلفی در مورد این جانشینان وجود دارد. مطابق قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای، جانشینی باید محدود به طرفین ایجاد کننده قرارداد باشد. اصل نسبیت آثار قرارداد، از نتایج حاکمیت اراده، استقلال شخص در جامعه و عدم پذیرش سلطه فرد بر دیگری است. دلیل انتقال یک سری از آثار الزام آور، حقوق و تعهدات به هر کدام از این دو نوع جانشینان، قرارداد و یا حکم قانون می باشد. مشخص کننده ی ضمانت اجرای تخلف هر کدام از آنها نیز این دو عامل است. به طور کلی محقق در این مقاله به دنبال این است که به این سوال پاسخ دهد که جانشینی قراردادی دارای چه معنا و مفهومی، وظایف و آثاری است.

---

واژه‌های کلیدی: ابعاد حقوقی، قائم مقامی، جانشینی، جانشینی قراردادی.

---

**مقدمه:**

عنوان جانشین که در مطالعات حقوقی از آن به قائم مقام یاد می شود از احکام حقوقی خاصی برخوردار است. تحقق جانشینی گاهی به صورت قهری و بدون اراده جانشین است که خاص جانشینی یا همان قائم مقامی عام است؛ و گاهی بدون اراده شخص جانشین ولی ناشی از اراده طرفین قرارداد است. این مورد در برخی مصادیق اصل نسبی بودن قرارداد چهره نمایی می کند. آنجا که ضمن قراردادی وضعیتی برای شخص ثالثی پیش بینی می شود و گاهی در نتیجه واگذاری قرارداد حاصل می شود. به عنوان مثال در قرارداد بیع، خریدار تمام یا بخشی از حقوق مالکانه خود را به شخص دیگری واگذار می نماید. در مورد جانشینی قراردادی مسائل حقوقی مهمی است که می بایست مورد بررسی قرار گیرد مسائلی چون میزان انتقال شرایط و تعهدات جانبی مندرج در قرارداد به شخص جانشین، چگونگی اعمال حقوق مکتسبه توسط جانشین، تاثیر انحلال قرارداد فی مابین طرفین (به عنوان مثال شروط فاسخ) نسبت به جانشین و غیره مطالعه حاضر کوششی است در جهت شناسایی تمامی زوایای موضوع و تحلیل جامع حقوقی آن.

**گفتار اول: ابعاد حقوقی قائم مقامی**

مفهوم و مبانی قائم مقامی را مطرح می کنیم:

**بند اول: مفهوم قائم مقام**

با توجه به اینکه قائم مقامی در قانون مدنی تابع حاکمیت اراده و مبانی سنتی و کلاسیک حقوق و محترم شمردن خواست های طرف قرارداد است و حال بحث مربوطه راجع به مفهوم و مبانی قائم مقامی می باشد. در فرهنگ های لغت پارسی، قائم مقام را به معنای «جانشین» و «نائب» هر دو، به کار برده اند. ولی، می دانیم که، از لحاظ حقوقی و به ویژه در بحث قراردادهای، نائب یا نماینده مفهوم خاصی داشته و با معنای مصطلح قائم مقام کاملاً متفاوت است: نماینده در انعقاد عقد شرکت می کند ولی آثار عقدی که منعقد نموده، به وی سرایت نمی کند؛ اما قائم مقام بدون دخالت در انعقاد قرارداد، در معرض سرایت آثار آن قرار می گیرد. قائم مقام در لغت به معنای «جانشین» است ولی چون این جانشینی به اشکال مختلفی واقع می گردد، مصادیق و معانی اصطلاحی متعددی پیدا می کند که نیابت هم یکی از آنهاست.

**بند دوم: مبانی قائم مقامی**

طرح موضوع: در حقوق عمومی، به واسطه اقتدارات قانونی مقامات اداری و سیاسی و ارتباط اعمال آنها با منافع عمومی، عمل حقوقی که از سوی یک مقام عمومی صورت می گیرد، می تواند بر تعداد کم و بیش زیادی از افراد تأثیر گذاشته و حقوق یا تکالیفی برای آنان به وجود بیاورد. به همین جهت، مؤلفان حقوق اداری ضمن تأیید اصل نسبی بودن اثر قراردادهای اداری و دولتی، تأکید می کنند که به جهت تأمین منافع عمومی، استثنائات فراوانی در اطراف این اصل ایجاد شده است. (طباطبائی مؤتمنی؛ ۱۳۷۶، ۳۲۷ - ۳۶۱) اما در حقوق خصوصی که مبتنی بر فردگرایی، حاکمیت اراده، آزادی قراردادی و استقلال حقوقی اشخاص است، چه گونه و بر چه مبنایی می توان اجازه داد که اراده بعضی اشخاص برای دیگران حق و تکلیف ایجاد کند؟ اگر قرارداد بر متعاقدين آن تأثیر بگذارد کاملاً موجه و منطقی است زیرا ایجاد و اثر گذاری آن ناشی از اراده های آزاد و مستقل آنهاست، اما سرایت آثار قراردادهای به اشخاص دیگری به نام قائم مقام که نه در انعقاد آن دخالت داشته و نه به طور معمول اثرگذاری آن را نسبت به خود خواسته و پذیرفته اند، بر چه مبنایی می توان استوار نمود؟ پاسخ به این پرسش در مورد قائم مقامان عام و خاص جداگانه می باشد.

**بند سوم: قلمرو قائم مقامی**

از آن جایی که قائم مقامی عام و خاص از حیث قلمرو و شروط با هم تفاوت دارند. در تعیین حدود و شروط قائم مقامی ورثه باید احکام مربوط به دارایی و ترکه و مقررات راجع به ارث نیز رعایت گردد؛ زیرا، قائم مقامی عام چنان که در بحث اسباب آن گفته ایم، بر مبنای انتقال دارایی استوار بوده و ورثه به این دلیل قائم مقام مورث خود هستند که دارایی وی به آنها می رسد. می دانیم که در فقه اسلامی و حقوق ما، به طور معمول به جای دارایی از ترکه یا ماترک سخن گفته شده و آن چه از متوفی باقی مانده و به ورثه او می رسد، به ترکه یا ماترک معروف است. پس، به تعبیری می توان گفت ترکه همان دارایی شخص است که بعد از فوت وی به ورثه اش می رسد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۱۰۹) بر این اساس، اگر مشخص شود که چه حقوق و تعهداتی در زمان حیات شخص به دارایی او می پیوندند و با مرگ وی تحت عنوان ترکه به وارث منتقل می شود، محدوده جانشینی ورثه هم معین خواهد شد. اگر ثابت شود حق یا تعهدی وارد دارایی شخص نمی شود، در صورت فوت، داخل ترکه هم نگنجدید و قائم مقامی ورثه نسبت به آن منتفی خواهد بود. به علاوه، اگر چه جامه قائم مقامی عام جز بر قامت وارث راست نمی آید. قائم مقام خاص، کسی است که بدون شرکت و دخالت در انعقاد قراردادی به دلیل انتقال مال یا اموال معینی از جانب یکی از طرفین قرارداد، حقوق و تعهدات مربوط به آن مال نیز به وی منتقل می شود. دلیل این قائم مقامی در مرحله نخست حکم قانون است؛ یعنی قانون مدنی، از یک طرف در مواد ۲۱۹ و ۲۳۱ علی الاطلاق عقد را همانند متعاقدين در مورد قائم مقامان آنها نیز لازم الاتباع و مؤثر دانسته و نویسندگان حقوق نیز، اطلاق قائم مقام را در موارد مذکور شامل هر دو دسته خاص و عام دانسته اند. (عدل، ۱۳۷۸، ۱۵۷) از طرف دیگر، در موارد متعددی به طور خاص، حقوق و تعهدات متعاقدين را قابل انتقال به قائم مقامان خاص اعلام نموده است.

**گفتار دوم: ابعاد حقوقی جانشینان غیر قائم مقام**

در این گفتار مفاهیم جانشینان غیر قائم مقام اعم از: الحاکم ولی الممتنع، مدیر تصفیه برای تاجر ورشکسته، ولی قهری و عقد بیمه را مطرح میکنیم.

**بند اول: مفهوم و مبانی جانشینی غیر قائم مقام**

تبیین مفهوم و مبانی این نوع جانشینان هر کدام به طور مختصر:

**الف: مفهوم حاکم**

بطور کلی با فهم در مفردات شکل دهنده قاعده «الحاکم ولی الممتنع» درمی یابیم چنانکه شخصی از ایفای حقوق دیگران امتناع ورزد یا از انجام تکالیف شرعی خویش خودداری کند حاکم می تواند آنچه را که تکلیف ممتنع است به جهت ولایت به انجام برساند.

**ب: مفهوم مدیر تصفیه**

«از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه ی شرکت شروع می شود. مدیران تصفیه باید کلیه ی اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه ی شرکت را عهده دار شوند.» (پاسبان، ۱۳۹۱، ۳۶۵)، به محض آنکه تصمیم به انحلال شرکت اتخاذ شد، عنوان حقوقی مدیران نیز به مدیران تصفیه تغییر یافته و در نتیجه وظایف و مسئولیتها و نقش ایشان نیز در مقایسه با دوره ی فعالیت شرکت دگرگون می گردد.

**پ: مفهوم ولی قهری**

شخصی که ممنوع از تصرف در اموال است یعنی در واقع اشخاصی که فاقد اهلیت هستند مثل فرزند صغیر برای تصمیم گیری و هدایت زندگی به مسئولی نیازمند است. در اصطلاح حقوق مدنی، «ولایت»: قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص صلاحیتدار، برای اداره امور محجور واگذار شده است.

ت: مفهوم بیمه:

بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازاء پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه گر و طرف تعهد را بیمه گذار و وجهی را که بیمه گذار می پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می شود موضوع بیمه می نامند. (کریمی، ۱۳۸۷، ۱۳۰)

### بند دوم: قلمرو جانشینی غیر قائم مقام

تبیین قلمرو این نوع جانشینان هر کدام به طور مختصر:

الف: قلمرو حاکم

حاکم به جهت ولایت بر ممتنع (کسی که از تکالیف سر باز می زند) تکلیف شرعی و قانونی او را به انجام رساند، قانون گذار و نویسندگان حقوقی در برخی موارد به بررسی این قاعده در حقوق کنونی پرداخته و آن را به رسمیت شناخته اند. احراز تحقق استنفاف و وجود حاکم و درخواست استیفای حق از ناحیه صاحب حق شرایط اجرای این قاعده می باشد.

ب: قلمرو مدیر تصفیه

به محض انحلال شرکت و ورود شرکت به روند تصفیه، کارکرد و اختیارات و وظایف همه ارگان های دست اندرکار از جمله مدیران تصفیه محدود به عملیات تصفیه خواهد بود. ماده ۲۱۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ ضمن بیان قاعدهی اختیارات مدیران تصفیه، محدود نمودن اختیارات ایشان را فاقد ارزش قانونی دانسته است:

«مدیران تصفیه نمایندهی شرکت در حال تصفیه بوده و کلیهی اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می باشند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.»

پ: قلمرو ولی قهری

در فقه امامیه اختیارات گسترده ای برای اداره امور کودک به ولی قهری داده شده است پدر و جد پدری که از جانب خداوند سرپرست بر اداره کودک قرار داده شده اند، بعنوان نماینده در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه می توانند دخالت کنند بدون اینکه حاکم و یا هر مرجع قانونی دیگری بر اعمال آنها نظارت داشته باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ۱۳)

ت: قلمرو بیمه

بیمه ها در دو دسته کلی بیمه های جبران کننده خسارت (بیمه های خسارتی) و بیمه های اشخاص جای می گیرند. بیمه های اموال خود به بیمه های اشیاء، اعتباری، سرقت و بیمه های مسئولیت تقسیم می شوند.

### بند سوم: آثار و نتایج جانشینی غیر قائم مقام

تبیین آثار و نتایج این نوع جانشینان هر کدام به طور مختصر:

الف: آثار و نتایج حاکم

که می توان به امتناع غابن از فسخ معامله ثانویه، امتناع از اخذ ثمن یا مثن، امتناع از ادای دین، امتناع دائن از قبول دین، امتناع از وفای به شروط ضمن عقد، امتناع در باب رهن، اشاره نمود.

ب: آثار و نتایج مدیر تصفیه

خاتمه دادن به کارهای جاری، زمانی که شرکت منحل می شود عادتاً تمام کارهای خود را انجام نداده و اغلب کارهای نیمه تمام دارد که باید انجام شود؛ و اگر انجام تعهدات به تعویق بیفتد به ضرر شرکت خواهد بود، اجرای تعهدات، وصول مطالبات و جوابگوئی دعاوی مطالباتی که شرکت دارد و وصول آن به عهده مدیر تصفیه است.

پ: آثار و نتایج ولی قهری

اختیار ولی محدود به کارهایی است که برای حفظ غبطه محجور انجام می دهد. اگرچه پدر و جدپدری از جانب خداوند سرپرست برای اداره امور کودک قرار داده شده اند و در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه می توانند دخالت کنند بدون اینکه حاکم یا هر مرجع قانونی دیگری بر اعمال آنها نظارت داشته باشد

ت: آثار و نتایج بیمه

بیمه گر با پرداخت خسارت به ذی نفع بیمه، در دعوی علیه ثالث مسئول حادثه، قائم مقامی می یابد. منظور از ثالث، شخصی غیر از بیمه گذار است. در مواردی که بیمه اموال، برای اموال غیر منعقد شده و ذی نفع بیمه شخصی غیر از بیمه گذار باشد، هر کسی غیر از ذی نفع بیمه ثالث محسوب می شود حتی اگر مسئول حادثه خود بیمه گذار باشد. لذا باید اصطلاح بیمه گذار را که در ماده ۳۰ قانون بیمه به کار رفته، به ذی نفع بیمه تفسیر نمود چون خسارت مورد پوشش بیمه به وی پرداخت می شود و تنها او حق دعوی مسئولیت دارد و قائم مقامی تنها از جانب او مطرح می شود. (کریمی، ۱۳۸۷، ۱۵۲)

### گفتار سوم: مقایسه ی ابعاد حقوقی قائم مقامی با جانشینی غیر قائم مقام در مصادیق مختلف

شباهت ظاهری قائم مقامی و نمایندگی حتی قانون گذار ایران و برخی صاحب نظران حقوقی را به اشتباه انداخته است و آثار سوء به کارگیری این دو واژه به جای یکدیگر در قوانین مدنی، تجاری و آئین دادرسی مدنی قابل بررسی است.

### بند اول: مقایسه ی مفهوم، مبانی و قلمرو قائم مقامی با جانشینی غیر قائم مقام در مصادیق مختلف

تطبیق قائم مقامی با جانشینی غیر قائم مقام از نظر سه بعد مورد بحث:

الف: انطباق مفهوم و مبانی: نمایندگی در لغت به معنی نماینده بودن، کارگزاری و آژانس بکار رفته است (معین، ۱۳۷۸، ۴۸۱) نمایندگی سمتی است که به موجب آن شخصی به نام و حساب دیگری مبادرت به انجام عمل حقوقی می نماید و از این طریق آثار آن عمل متوجه اصیل می گردد. تفاوت نمایندگی و قائم مقامی را می توان از جهت نقش هر یک در انعقاد عقد و تحمل آثار آن ملاحظه نمود. در مورد جانشینان غیر قائم مقام که قاعده ولایت حاکم بر ممتنع یکی از قواعد فقهی معروف می باشد که در راستای تامین مصلحت جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و بی ثباتی اجتماع و سر وسامان بخشیدن به اوضاع اجتماعی و فرهنگی مردم وضع گردیده است. و در مورد مدیر تصفیه به محض تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا صدور دادگاه دایر به انحلال شرکت، سمت مدیریت امور شرکت باید به مدیران تصفیه واگذار شود. و در مورد ولایت قهری که حق و تکلیفی است که

قانون گذار برای اداره امور صغیر و مجنون و سفیهی که جنون و سفه آن ها متصل به صغر باشد، به پدر و جدپدری واگذار می کند؛ و در مورد حقوق بیمه، بنابراین قائم مقامی بیمه گر وسیله احیا و زنده نگه داشتن نهاد مسئولیت مدنی در کنار سایر نظام های جبران خسارت می باشد و قراردادهای خصوصی نباید سبب شود تا عاملان خسارات وارد شده در پناه این قراردادها به هر دلیلی رهایی یابند.

ب: انطباق قلمرو: قلمرو قائم مقامی وارث یا موصی له به وسیله ی قرارداد محدودیتهایی برایش به وجود می آید و همچنین در مورد جانشینان غیر قائم مقام نیز به حکم قانون محدودیتهایی وجود دارد.

### بند دوم: مقایسه ی آثار و نتایج قائم مقامی با جانشینی غیر قائم مقام در مصادیق مختلف

برای روشن نمودن مفهوم وماهیت این نمایندگی ها ناگزیر از مراجعه به برخی مواد قانون مدنی می باشیم. هرچند در قانون مدنی نیز تعریفی از نمایندگی و قواعد و احکام آن دیده نمی شود، لیکن می توان از عبارات موجود در ماده ۱۹۶ ق. م که بیان می دارد: «... مگر اینکه در موقع عقد خلاف آنرا تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود...» نظریه کلی نمایندگی را استنباط کرد، زیرا کسی که معامله می کند، اگر هنگام انعقاد سمت خویش را اعلام ننماید، اصیل فرض می شود و در صورت ادعای خلاف آن ناچار به اثبات ادعای خود مبنی بر انعقاد قرار داد به نمایندگی می شود. اینها همه بیانگر عنصر نیابت است که اساس نمایندگی را تشکیل می دهد و به وسیله همین عنصر است که می توان خلاء ناشی از مقررات و اصول حاکم را برطرف نمود. به طور کلی قائم مقام ها و جانشینان غیر قائم مقام از نظر حقوق و تعهدات، شرایط تحقق مسئولیت، مبنای ایجاد مسئولیت و اثر مسئولیت با یکدیگر تفاوت هایی دارند. (عطاشنه، ۱۳۹۴، ۴۸)

### نتیجه گیری و پیشنهادات:

الف: قائم مقامی و جانشینی غیر قائم مقامی جهت جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظم عمومی و اگر خساراتی وجود داشته باشد برای جبران خسارت، حفظ حقوق اشخاص ثالث و در واقع داوری عادلانه است که اگر صحیح باشد باعث اجرای عدالت اجتماعی نسبت به حقوق دیگران می باشد.

ب: ورشکستگی از مباحث بسیار مهم قانون تجارت است که با وجود اهمیت، هنوز چنانکه باید شناخته نشده است. اهمیت ورشکستگی در آن است که عوارض و آثار منفی آن، تنها دامنگیر تاجر یا شرکت ورشکسته نمی شود بلکه بسته به وسعت دامنه فعالیت تاجر یا شرکت تجاری، اشخاص ثالث و طلبکاران و طرفهای معامله با تاجر یا شرکت نیز از آن متضرر می شوند. علت عمده ناشناخته ماندن مقررات ورشکستگی این است که عامه مردم با ورشکستگی سروکار ندارند؛ زیرا از بین افراد جامعه تعداد اندکی تاجرند و از بین تاجر شمار اندکی دچار ورشکستگی می شوند و از بین ورشکستگان، بسیاری با وساطت سایر تاجر و مصلحت اندیشان بدون مراجعه به دادگستری امر ورشکستگی خود را فیصله می دهند.

پ: با توجه به اینکه شرایط عمومی و احکام و آثار جانشینان قراردادی در مقررات قانونی ما به صورت کامل بررسی نگردیده است. پیشنهاد می شود که تصویب مقرراتی که تعیین کننده این ها باشد، ضروری به نظر میرسد. در خصوص اصلاح قوانین می توان به حقوق کشورهای که در این زمینه قوانین و مقررات کارآمد دارند مراجعه شود.

ت: در مورد یکی از مصادیق جانشینان غیرقائم مقام (بیمه)، پیشنهاد میشود بیمه گران موظف گردند تا در بیمه نامه ها تصریح نمایند که جانشینی در مواردی که بیمه گران رغبتی برای اقامه ی دعوا ندارند، حق رجوع برای بیمه گذار محفوظ بماند، بنابراین از این طریق مسئولان حوادث نیز در پناه بیمه از مسئولیت نخواهند گریخت.

ث: با عنایت به آنچه در مورد ولایت قهری مورد بررسی قرار گرفت. قهری بودن ولایت پدر، از نظر حقوقی و اجتماعی به معنای واقعی خود پابرجاست زیرا، همین که طفل به دنیا آید، خود به خود تحت ولایت پدر قرار می‌گیرد و هیچ مقامی حق تغییر و یا تنفیذ این وضع را ندارد، لذا با توجه به مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است پیشنهاد می‌شود، همه قوانین و مقررات در جهت پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد و همچنین وجود حق تقدم برای یکی از والدین باعث بی‌اعتنایی به دیگری نباشد.

### فهرست منابع و مأخذ:

۱. ابراهیم سعد، نبیل، ۲۰۰۰، التنازل عن العقد، منشأة المعارف الاسكندريه، جلد ۲
۲. السنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۵۹، الوسيط فی شرح القانون المدني، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۳. امامی، سید حسن، ۱۳۶۸، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیة، تهران، جلد ۸
۴. پاسبان، محمد رضا، ۱۳۹۱، حقوق شرکت های تجاری، سمت، تهران
۵. ثانی، زین الدین بن علی بن احمد بن جمال الدین بن تقی بن صالح مشهور به شهید ثانی، ۱۹۶۵، الروضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، انتشارات دارالعالم اسلامی، بیروت، دوره ۱۰ جلدی
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۵۸، دانشنامه حقوقی، چ ۱، امیرکبیر، تهران، جلد ۵
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۵، ارث، گنج دانش، تهران، جلد ۴
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی، چ ۱، گنج دانش، تهران
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وصیت، ابن‌سینا، تهران
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، گنج دانش، تهران
۱۱. درودیان، حسنعلی، تقریرات درس حقوق مدنی تطبیقی، دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال اول ۷۴-۷۳
۱۲. درودیان، حسنعلی، تقریرات درس حقوق مدنی (۲)، دوره کارشناسی حقوق، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال اول ۸۰-۷۹
۱۳. ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۷۵، حقوق تجارت، نشر دادگستر، تهران، جلد ۲
۱۴. شایگان، سیدعلی، ۱۳۷۵، حقوق مدنی، انتشارات طه، قزوین، جلد ۱
۱۵. شعاریان ستاری، ابراهیم، مطالعه تطبیقی شرایط و آثار انتقال قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و امریکا، رساله دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۱
۱۶. شهیدی، مهدی، ۱۳۷۷، تشکیل قراردادها و تعهدات، نشر حقوقدان، تهران، جلد ۱
۱۷. صادقی، محمود، مبانی آثار حقوقی تعهد به نفع ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران، رساله دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹
۱۸. صفایی، سید حسن، ۱۳۸۲، آثار قراردادها و تعهدات، چ ۱، انتشارات مجد، تهران
۱۹. طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۷۶، حقوق اداری، چ ۳، سمت، تهران
۲۰. عدل، مصطفی، ۱۳۷۸، حقوق مدنی، انتشارات طه، قزوین، جلد ۱
۲۱. عطاشنه، منصور، عطاشنه، زهرا، بررسی قواعد کلی قائم مقامی در حقوق مدنی و حقوق تجارت، اولین همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی، ۱۳۹۴
۲۲. غمامی، مجید، آزادی گزینش طرف قرارداد، مطالعات حقوقی و سیاسی، مجله تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، شماره ۱

۲۳. فرج الصده، عبدالمنعم، ۱۹۷۶، نظریه العقد فی القوانین البلاد العربیه، دارالنهضة العربیه، بیروت
۲۴. قرائتی، مهدی، ۱۳۹۲، حضانت و نگهداری اطفال براساس قانون جدید، انتشارات جاودانه، تهران
۲۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، شرکت انتشار، تهران
۲۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، نظریه عمومی تعهدات، ج ۱، نشر یلدا، تهران
۲۷. گرجی، ابوالقاسم، تعهدات ناشی از قرارداد و حقوق اسلامی، نشریه موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، شماره ۱
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۷، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، جلد ۱
۲۹. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۴، قواعد فقه بخش مدنی ۲، نشر سمت، تهران
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۰، تحریر الوسیله، موسسه اسماعیلیان، قم
۳۱. نجفی، محمد حسن، ۱۳۴۹، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، جلد ۶
۳۲. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، جلد ۲۵
33. Mackendrick (E), Contract Law, ed. Macmillan, 2000
34. Treitel(G. H), Law of contract, 9 ed, sweet 8 maxwell, London, 1995



# Explaining and clarifying the legal dimensions of the Deputy

Zahra Farajzadeh<sup>1</sup>, Mohsen Iranmanesh<sup>2\*</sup>

*1- Islamic Azad University, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran*

*2- Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Kish International Branch, Law Group, Kish Island, Iran (Corresponding author)*

---

## Abstract

Succession in both our law of other examples, includes the deputy, there are many differences between our legal writers on the acceptance of the deputy theory and non-deputy substitutes, the deputies are determined both contractually and in a non-contractual manner. And in the case of non-deputy successors such as al-Hakam, Vali al-Mamtaneh, the director of purification, Vali qhari and insurance, which are the source of their constitutionally mandated law, there are variously different definitions of these successors. In accordance with the general rules governing contracts, substitutes should be limited to the parties to the contract. Principle of relativism effects of contracts, form results of governing volition, independence of the person in society and rejection of the domination of one over the other person. The reason for the transfer of a series of binding works, rights and obligations to either of these two successors is a contract or a rule of law. Specifying the guarantor for the violation of each of them is also the two factors. In general, the researcher in this paper seeks to answer the question: What is the meaning, the powers and the effects and the results of the contract substitution?

**Keywords:** Legal Dimensions, Deputy, Substitution, Contract Substitution

---